یادداشت

معامله پرسود شهدا با خدا

حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدباقر علم‌الهدی
کارشناس معارفی رسانه ملی
مدیر حوزه علمیه قاسم‌بن‌الحسن(ع) تهران

جریان حق‌گرایی در جوامع مختلف بشری همواره با موانع متعدد از جانب حق‌گریزان مواجه بوده است. لذا قرآن کریم برای استحکام اجتماعی و اقتدار روحی مردم در مقابل این مانع‌تراشی‌ها، آن‌ها را به زندگی هدفمند دعوت می‌کند و می‌فرماید: اگر مردم قله‌های پیش‌روی خود را دقیق طراحی کنند، به اهداف بلند دست می‌یابند؛ مهم‌ترین این اهداف، «رسیدن به خدا» است.

از این‌رو اگر هدف مردم رسیدن به خدا و قرب او باشد، طبیعتا خدا نیز آن‌ها را یاری می‌کند؛ چنان‌که در سوره مبارک محمد(ص) آیه ۷ می‌فرماید: «**یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا ا... یَنْصُرْکُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ**؛ اگر خدا را یاری کنید، او هم شما را یاری و گام‌هایتان را استوار می‌کند» یا در سوره مبارک عنکبوت، آیه ۶۹ می‌فرماید: «**وَالَّذِینَ جَاهَدُوا فِینَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا**: آن‌هایی که در راه ما جهاد کردند، آن‌ها را به راه‌های (معرفت و لطف) خویش هدایت می‌کنیم».

از این دست آیات متعدد است که به انسان‌ها وعده می‌دهد درصورت استقامت و پایداری و صبوری، ابواب برکات به روی آن‌ها گشوده می‌شود و از نظر روحی و فکری و دنیایی سیراب می‌شوند. علاوه بر این، خدای متعال، برای دلگرمی مؤمنان در سوره حشر می‌فرماید: «اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی‌نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر(ص) کردند) برای اولین‌بار همگی را از دیارشان بیرون کرد»؛ همان چیزی که ما امروز می‌بینیم که یهود با دست خود تیشه به ریشه خویش می‌زند. این وعده خداست که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد با مسلمین، از خانه‌هایشان اخراج می‌کند، درحالی‌که آن‌ها می‌پنداشتند در دژهای محکم از عذاب خدا درامان می‌مانند و حال آنکه این باور پوچ بود؛ مثل گنبد آهنینی که نتوانست از صهیونیست‌ها حمایت کند و دیدیم که در جنگ دوازده‌روزه، پدافند اسرائیل خودزنی می‌کرد و موشک‌های ایران، مراکز حساس آن‌ها را هدف قرار می‌داد! و لذا قرآن تأکید می‌کند: «ای اهل بصیرت، عبرت بگیرید که این‌ها از وعده‌های خداست» و مردم از نزدیک، این حقایق را درک و لمس کردند.

وعده خدا به یاری‌دهندگان خود

خداوند در سوره حج، آیه ۴۰ می‌فرماید: «آن مؤمنانی که به‌ناحق از خانه‌هاشان آواره شدند (و جرمی نداشتند) جز آنکه می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست. و اگر خدا (رخصت جنگ ندهد و) دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند، همانا صومعه‌ها و دیرها و کنشت‌ها و مساجدی که در آن (نماز و) ذکر خدا بسیار می‌شود، همه خراب و ویران شود». مصداق این آیه، می‌تواند مردم مظلوم فلسطین و غزه باشد که به خدا پناه برده‌اند و امثال حماس و حزب‌ا... که مقابل جنایت صهیونیست‌ها را گرفته‌اند و اگر شر دشمن را دفع نمی‌کردند، هرآینه مراکز دینی‌مذهبی مردم را چه در آن منطقه، چه خارج از آن، تخریب می‌کردند. امروز می‌بینیم با قدری فرصت ایجادشده در سوریه، صهیونیست‌ها چه جنایاتی را رقم می‌زنند. حالا اگر نیروی بازدارنده‌ای مقابل آن‌ها نبود و اسرائیل بزرگ را تشکیل می‌دادند، چه بر سر اسلام و مسلمانان می‌آمد؟ امروز دنیای غرب و استکبار با همه ظرفیت و سلاح‌ها مقابل اسلام ایستاده‌اند اما دو سال است زمین‌گیر شده‌اند و با اینکه شهیدان والامقامی مثل سیدحسن نصرا... را از دست دادیم، به هدفشان نرسیدند. اگر می‌توانستند پیشروی بیشتری کنند، وارد مصر و عراق و... می‌شدند. امروز مقاومت اسلامی مقابل این‌ها را گرفته است و برای همین آمریکا با همه قدرت خود، علیه آن‌ها اقدام می‌کند اما خدا می‌فرماید: «**وَ لَیَنْصُرَنَّ ا... مَن یَنْصُرُه**». از این قسم آیات، متعدد است که هم افقی روشن مقابل مردم می‌گشاید و هم تأکید می‌کند که خدا خلف وعده نمی‌کند.

معامله‌ای پربها

همه این اتفاقات در حال وقوع، براساس هدفمندی است. وقتی هدف ما، «کلمه‌ا... العلیا» شد، آن‌گاه پرچمدار کلمه‌ا... مشخص می‌شود که حضرت امام زمان(عج) هستند و امروز این پرچم در دست نایب ایشان قرار دارد و مردمی هم که ذیل این پرچم قرار می‌گیرند، همین هدف را دنبال می‌کنند؛ یا به پیروزی نهایی دست می‌یابند یا به فوز شهادت می‌رسند. لذا خدا برای آنکه مردم افق روشن حیات را از دست ندهند، می‌فرماید: «**إِنَّ ا... اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّه یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ ا... فَیَقْتُلُونَ وَیُقْتَلُونَ**: یقینا خدا از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا پیکار می‌کنند، پس [دشمن را] می‌کشند و [خود در راه خدا] کشته می‌شوند» (توبه، ۱۱۱). سردار سلامی‌ها و سردار باقری‌ها و حاجی‌زاده‌ها و دکتر طهرانچی‌ها که هریک اعلام جانبازی کرده و وارد میدان شده‌اند، خدا خود خریدار جان‌هایشان به بهای بهشت است و بشارت می‌دهد به معامله‌ای که با او انجام می‌دهیم. انسان که بالاخره از این دنیا خواهد رفت، پس چه بهتر با چنین معامله پربهایی با خدا و در مسیر شهادت، دنیا را ترک کند!

اشارت

روز را با این دستورالعمل شروع کنیم

طیبه اشرفی | سوگند خدا در قرآن به عصر و زمان، نشان از اهمیت وقت در سرنوشت آدمی دارد؛ اینکه چطور از زمان به‌عنوان سرمایه‌ای باارزش بهره بگیریم، در آموزه‌های دینی به آن سفارش شده است؛ به‌ویژه در هنگام صبح که آغاز روز است و دیباچه خوب و بدی که آدمی رقم می‌زند یا در انتظار اوست. رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «هرکه صبح کند و به فکر گرفتاری‌های مسلمانان نباشد، مسلمان نیست». **(الکافی: ۱/۱۶۳/۲)**

ایشان همچنین تأکید می‌کنند: «هرکه صبح کند درحالی‌که تندرست و آسوده‌خاطر باشد و خوراک یک روز خود را داشته باشد، چنان است که دنیا را داشته باشد». **(الخصال: ۲۱۱/۱۶۱)**

و از رسول گرامی اسلام(ص) است که: «هر فردی از افراد امت من که صبح کند و اندیشه‌ای جز خدا داشته باشد، از خدا نیست و هرکه به کارهای (گرفتاری‌های) مؤمنان اهتمام نورزد، از مؤمنان نیست». **(تحف‌العقول: ۵۸)**

امیرالمؤمنین امام علی(ع) نیز درباره بایدهای آغاز روز می‌فرمایند: «هرکه صبح خود را با غم و اندوه دنیا آغاز کند، با نارضایی از قضای خدا آغاز کرده باشد و هرکه بامدادش را با شِکوه از مصیبتی که دامنگیرش شده است، بیاغازد، با شکوه از پروردگار خود آغاز کرده باشد». **(نهج‌البلاغه: الحکمه ۲۲۸)**

مولای متقیان(ع) همچنین می‌فرمایند: «هرکه صبح خود را با هم‌وغم آخرت آغاز کند، بی‌نیاز شود بی‌آنکه مال و ثروتی داشته باشد و از تنهایی به درآید بی‌آنکه اهل و عیالی داشته باشد و قدرت یابد بی‌آنکه ایل و تباری داشته باشد». **(الأمالی للطوسی: ۱۱۹۸/۵۸۰)**

و از امام صادق(ع) روایت است که: در تورات آمده است «هرکه صبح خود را با غم دنیا [خواهی] آغاز کند، با نارضایتی از خدا آغاز کرده باشد». **(الاختصاص: ۲۲۶)**

امام علی(ع) نیز می‌فرمایند: «بدانید -ای بندگان خدا!- که مؤمن، شب را به روز و روز را به شب نمی‌رساند مگر آنکه به نفْس خود بدگمان است. از این رو، پیوسته بر آن خرده می‌گیرد و عمل بیشتر از او می‌طلبد». **(نهج‌البلاغه: الخطبه ۱۷۶)**

همچنین امام صادق(ع) درباره کیفیت آغاز روز می‌فرمایند: «هر صبحگاه و هر شامگاه این دعا را سه بار بخوان: «بارخدایا! مرا در زره محکم خود که هرکه را خواهی در آن جای می‌دهی، قرار ده!»؛ زیرا پدرم می‌فرمود: این از دعاهایی است که در گنجینه است [و نااهلان بدان دسترسی ندارند]». **(الکافی: ۳۷/۵۳۴/۲)**

بررسی راه‌های تشخیص حق و باطل در قرآن

چگونه حق را تشخیص دهیم؟

گزارش

آمنه مستقیمی | بررسی آموزه‌های قرآنی و ادبیاتی که قرآن برای دنبال کردن اهداف و آرمان‌های بشری با آن سخن می‌گوید، ما را به یک تعبیر کلیدی می‌رساند؛ یعنی «حق» که از ابتدای خلقت با تعبیر مقابل خود، «باطل»، مواجهه و تقابل داشته است و این تقابل تا پایان خلقت ادامه خواهد داشت. منتها اینکه چطور مرز این دو را تشخیص دهیم و بدانیم که پیروزی نهایی با کدام جبهه است، موضوعی است که با استناد به آیات وحی و در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسین شهامت، عضو هیئت‌علمی جامعه‌المصطفی(ص)، آن را بررسی کرده‌ایم.

معیار همه خوبی‌ها و بدی‌های دنیا

حق، مسئله‌ای ریشه‌ای و محوری در قرآن و معارف دینی ماست که همه چیز در جلوه مثبت و منفی با آن سنجیده می‌شود و مظاهر بسیاری دارد؛ چنان‌که خدای متعال، خود را حق معرفی می‌کند: «**ذَلِکَ بِأَنَّ ا... هُوَ الْحَقُّ**» (حج، ۶۲). در لغت، حق به ثبوت و مطابق با واقع معنی شده است؛ کمااینکه باطل، ثبوت و استقراری ندارد. این حق به قرآن، انبیای الهی و پیامبر اعظم(ص) اطلاق شده است. همچنین است روز قیامت و دین، خدای متعال، وعده الهی، قضاوت و حتی مال و ثروت، حق و باطل و حق محرومان که در ثروت اغنیا قرار گرفته است.

انسان فطرتا حق‌طلب است

وقتی حق از وجود خدا ریشه گرفته است، آن که از خردمندی و عقل برخوردار است، از آن مسیر عدول نمی‌کند. انسان‌ها فطرتا حق‌طلب و دنبال نوری هستند که خدا در دل آن‌ها قرار داده است؛ مگر آنکه به‌تدریج تحت تأثیر شیاطین روحی و نفسانی و بیرونی، آن نور حق به ظلمت تبدیل شود؛ چنان‌که قرآن کریم تعبیر می‌کند: «**فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ**»: که قلوب آن‌ها بیمار و دچار ظلمت است و دل سنگ هستند. (بقره، ۱۰) یعنی از حق دور شده‌اند.

چطور حق را تشخیص دهیم؟

حق و حق‌مداری، ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی دارد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، ایمان و آراستگی به ارزش‌ها و پیراستگی از آلودگی‌های روحی و رفتاری است. ثبات‌قدم اعتقادی و پرهیز از سستی، تسلیم مطلق مقابل حق و خضوع و خشوع، از دیگر ویژگی‌های حق‌طلبی است. آن‌ها که قرآن را می‌شنوند، چشم‌هایشان از خضوع و خشوع، خیس اشک می‌شود.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین شهامت:
منطق حق‌طلبی همین است که انسان‌های حق‌طلب حتی اگر درظاهر شکست بخورند، روحیه‌ای قوی دارند

مصادیق باطل

در نقطه مقابل حق، باطل قرار دارد. هرجا که حق پایمال شود، باطل مجال جولان می‌یابد. خدای متعال در قرآن هرگونه تجاوزگری را باطل می‌داند. همچنین رشوه‌خواری، سحر و جادو و حتی صدقه با منت و آزار و غلو در دین به‌عنوان مصادیق باطل معرفی می‌شوند. به‌طورکلی هرگونه ظلم به دیگران و کشتن آن‌ها و پایمال کردن حقوقشان در نگاه آموزه‌های دینی، باطل است و عاملان به آن در جبهه باطل قرار می‌گیرند.

زینب کبری(س)؛ الگوی حق‌طلبان عالم

ایمان و استقامت و مقاومت در راه حق، شرط اساسی است و در این‌باره حضرت زینب کبری(س) بهترین الگوها محسوب می‌شوند. ایشان هم در کوفه، هم در خطبه حماسی شام در حضور یزید، چنان از ماندگاری حق و از بین رفتن باطل سخن گفتند که همه معادلات بنی‌امیه و یزید را برهم زدند و فرمودند: «تو ما را به غنیمت آوردی اما به‌زودی به‌عنوان غرامت، متضرر خواهی شد و حق (امامت) ماندگار خواهد بود. اگرچه جبر تاریخ و اوضاع روزگار، کار را به جایی رساند که با تو سخن بگوییم اما قدرت پوشالی‌ات را کوچک و خوار می‌کنم».

کمال با حق، گره خورده است

با توجه به آنکه حق فطری است و انسان‌ها در ذات حق‌طلب و کمال‌گرا هستند، کمال هرگز با باطل تأمین و محقق نمی‌شود و هیچ انسانی در تاریخ به‌واسطه باطل به مقصد کمال دست نیافته است. شاید در برهه‌هایی از زمان، باطل شکل و ظاهر دلفریب به خود بگیرد اما ظاهر آن که کنار برود، بوی تعفن آن انسان را مشمئز می‌کند، درحالی‌که حق همچون آب حیات‌بخش است و به انسان و جهان زندگی می‌دهد؛ همان‌طور که آب جریان دارد و هر دشت و رودی به اندازه ظرفیت خود از آن بهره می‌گیرد.

اهل حق، صبور و امیدوارند

امید به نجات جاودانه، از دیگر ویژگی‌های حق‌گرایی است: «**وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ یُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِینَ**». (مائده، ۸۴). پرهیز از پلشتی‌ها و زشتی‌ها، دوری از کینه و نفاق و استقامت ورزیدن، از دیگر ویژگی‌هایی است که اهل حق باید به آن‌ها آراسته شوند. علاوه بر این، جبهه حق باید به پیروزی امیدوار و صبور باشند: «**فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَا... حق**»: و بدانند که حق پیروز می‌شود (روم، ۳۰). دیر یا زود دین حق بر دنیا سیطره می‌یابد و حق عالم را دربر می‌گیرد و باطل از بین می‌رود؛ با وجود آنکه اهل باطل از آن کراهت دارند: «**وَیُحِقُّ ا... الْحَقَّ بِکَلِمَاتِهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُجْرِمُونَ**».

خون شهید، حق و زنده‌کننده است

منطق حق‌طلبی همین است که انسان‌های حق‌طلب حتی اگر درظاهر شکست بخورند، روحیه‌ای قوی دارند؛ چنان‌که امام حسین(ع) در گودی قتلگاه و حضرت زینب(س) در همه آن مصائب و منزلگاه‌های اسارت، هرگز از خود ضعف و احساس شکست نشان ندادند. ما هم در جنگ تحمیلی دوازده‌روزه با نگاه به عاشورای حسینی و باوجود شهادت فرماندهان عالی‌رتبه نظامی و دانشمندان هسته‌ای و جمع کثیری از مردم بی‌گناه، احساس ضعف و شکست نکردیم؛ چون می‌دانستیم که خون شهید حق است و حق زنده می‌کند.

باطل همچون کف روی آب است

البته همیشه در روی آب، حباب‌ها و خاشاکی هم هست که برخی فقط همان را می‌بینند. قرآن هم از باطل به کف روی آب که هیچ سودی ندارد، تعبیر می‌کند. حق سودمند و مانا و پایاست و اصلاح می‌کند؛ چنان‌که امام و قرآن به‌عنوان مصادیق حق، بشریت را زنده کرده‌اند؛ همان‌طور که امام خمینی(ره) با تمسک به حق، کشورمان را از ضعف و وابستگی نجات داد، آمریکا را به چالش کشید و ایران را به‌عنوان قدرت جهانی معرفی کرد. صدق و راستی و عبور از جهالت و احقاق همه ارزش‌ها، به حق و حق‌طلبی وابسته است.

ایستادن بر حق تا پای جان

نمونه بزرگ این حق‌طلبی را در عاشورای حسینی می‌بینیم. حضرت اباعبدا... الحسین(ع) در هنگام قیام فرمودند: «مگر نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود و از باطل دست نمی‌کشند؟ مرگ در راه خدا برای تحقق حق را سعادت و زندگی با ستمگران را مایه دلگیری می‌دانم». انسان مؤمن در مواجهه حق و باطل، طالب لقای حق است و در این مسیر حتی تا مرز شهادت پیش می‌رود.

پیروزی نهایی با حق است

دیدیم که چطور جامعه بعد از این شهادت‌ها زنده و احیا و انسجام اجتماعی آن، چقدر پررنگ شد و جهان را به تحسین واداشت؛ چنان‌که همه به احترام ملت ایران ایستادند و ادای احترام کردند. این‌ها همان نشانه‌های پیروزی است؛ اگرچه دشمن درظاهر دچار خطای محاسباتی شود و خود را پیروز بداند، خون شهدا و استقامت دولت و ملت ما و هدایت و تدبیر رهبر معظم انقلاب، ثبات و تأثیر حق را نشان داد و این‌ها طلیعه همان وعده قرآن است که می‌فرماید پیروزی نهایی با حق است: «**هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ**» (توبه، ۳۳).

روشنا

أمیرالمُؤمنین علی(ع): طُوبی لِمَنْ ذَلَّ فی نَفْسِهِ وَ طابَ کَسْبُهُ.
بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲، ح ۳

امیرمؤمنان علی(ع):
آفرین به کسی که پیش خود، فروتن و کسب او پاکیزه (و حلال) باشد.

شنیدنی

سَلَام عَلَیٰ ال یَاسِینَ

قصص قرآنی، الیاس(ع)

سمانه رضوانی | امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند: زمین هیچ‌وقت از حجت خدا خالی نمی‌ماند؛ یعنی زمانی نیست که دنیا باشد و آدم‌هایش باشند، ولی خدا حجتی نفرستاده باشد تا مردم را هدایت کند که راه رسیدن به خدا روشن‌تر شود.

خداوند بارها در قرآن کریم، اسم پیامبران را آورده است: ما نوح را فرستادیم، موسی را فرستادیم، ابراهیم را فرستادیم و... .

بعضی مردم سخن حق پیامبران را پذیرفتند و بعضی هم بر عقیده باطل خود پافشاری کردند.

این‌بار خدا الیاس(ع) را به‌سوی قومش فرستاد؛ او از پیامبران خدا بود:

وَ إِنَّ إِلْیَاسَ مِنَ الْمُرْسَلِینَ (صافات، ۱۲۳).

کسی که خدا نامش را کنار زکریا و یحیی و عیسی آورده و او را صالح نامیده است:

وَزَکَرِیَّا وَیَحْیَیٰ وَعِیسَیٰ وَإِلْیَاسَ کُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِینَ (انعام، ۸۵).

مردم بعلبک بت می‌پرستیدند و اسم بت بزرگشان، بعل بود. آن‌ها گمراه بودند و از راه درست فاصله گرفته بودند و لازم بود کسی بیاید که از حق و هدایت برایشان بگوید. لازم بود الیاس یادآوری کند که چرا مراقب عقیده و رفتارتان نیستید:

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ؟ (صافات، ۱۲۴).

چرا راهی را می‌روید که رو به تباهی است؟ انگار لازم بود واضح‌تر بگوید که این تباهی چیست و اعتقاد واقعی کدام است.

الیاس گفت: چرا بعل را می‌پرستید و بهترین خالق‌ها را رها می‌سازید؟

بعل، بتی طلایی بود که حدود ۹ متر طول داشت و چهارصد نفر خدمه او بودند. (تفسیر نمونه).

چیزی را که با دست‌های خودشان ساخته بودند و خودشان به او خدمت می‌کردند، می‌پرستیدند و خدایی را که خالق آن‌ها بود و به آن‌ها هیچ نیازی نداشت، فراموش کرده بودند:

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِینَ (صافات، ۱۲۵).

الیاس آن‌ها را سرزنش کرد و احتمالا آنان از آیین پدرانشان گفتند که رسول خدا گفت: خدا، هم پروردگار شماست و هم پروردگار پدرانتان:

ا... رَبَّکُمْ وَرَبَّ آبَائِکُمُ الْأَوَّلِینَ (صافات، ۱۲۶).

اما بعضی از آن‌ها حرف‌های او را نپذیرفتند و او را تکذیب کردند که خدا آن‌ها را به دادگاه عدل الهی وعده داد:

فَکَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (صافات، ۱۲۷).

ولی عده‌ای هم به او ایمان آوردند که بندگان معمولی نبودند. آن‌ها خود را برای پروردگار، خالص کرده بودند:

إِلَّا عِبَادَ ا... الْمُخْلَصِینَ (صافات، ۱۲۸).

پس به‌خاطر کارهایی که الیاس در راه حق کرد و سختی‌هایی که کشید، نام نیکویی از او درمیان آیندگان به‌جا ماند:

وَ تَرَکْنَا عَلَیْهِ فِی الْآخِرِینَ (صافات، ۱۲۹).

خدا برای او این‌طور خواست و به او سلام فرستاد:

سَلَامٌ عَلَیٰ إِلْ یَاسِینَ (صافات، ۱۳۰).